

بکنیم بجملة قسمت اخیر از این ماده تجویز کرده است که يك نماینده پس از يك مدتی نمایندگی داخل شود در خدمت دولتی ولی اگر موظف شد از شغل خود استعفاء میدهد قسمت اخیر این ماده قانون اساسی بکلی منافی است با قسمت اخیر این ماده بجهت اینکه این ماده میگوید که تا وقتیکه تمام دوره تقنینیه طی نشود هیچیک از مشاغل دولتی را نباید قبول بکنند در صورتی قانون اساسی اجازه میدهد که کسیکه در يك دوره اول وکیل شود يك مدتی در مجلس بماند آن وقت اگر يك خدمتی در ادارات دولتی قبول کرد و بعد استعفاء داد و مردم او را انتخاب کردند باز حق داشته باشد که وکیل بشود پس در صورتی که قانون اساسی در يك دوره وکالت سه شغل را اجازه میدهد کدام نماینده است که بگوید در يك دوره تقنینیه بیش از يك شغل را حق ندارد دارا شود و بنده عرض میکنم هیچ این قانون نمیتواند در مجلس مذاکره شود بجهت اینکه ما میدانیم کایه قوانینی که در مجلس میتوانند بیایند و ممکن است در آن داخل شور نشد باید دو اساس داشته باشد که هر يك از قوانینی که در روی آن دو اساس نباشد ابداً قانونیت ندارد یکی از آن دو اساس عدم مخالفت با شرع انور است و یکی دیگر عدم مخالفت با قانون اساسی است که هر يك از قوانینی که بمجلس بیاید محض اینکه بتواند مطرح بشود باید روی این دو ستون ایستاده باشد و الا قانونیت نخواهد داشت برای اینکه در این ماده بشود رأی داد باید اینرا حل کرد که مخالف است با قانون اساسی یا خیر حالا رجوع میکنیم باین ماده و در این ماده قانون اساسی عبارت اتفاقاً طوری واضح نوشته شده است که هیچ احتیاج به تفسیر ندارد که از راه تفسیر این حق را بدهیم بمجلس واضح است و ساده و اگر نمایندگان این را محتاج به تفسیر میدانند باید این ماده تفسیر بشود تا وقتیکه بتواند این قانون هم در مجلس مطرح مذاکره شود حالا در باب خود این قانون نظری که مدافعین دارند این است که میگویند که بواسطه يك سکونتی که در امور مملکت پیدا میشود بعبارت رکیکی که بنده میخواهم عرض بکنم وقتی که نمایندگان يك ملت که بقول یکی از نمایندگان میخواهند مقام وکالت را يك ینة قرار بدهند برای رسیدن بیک مقام عالیتری پس از آنکه بواسطه گذشتن این قانون مایوس از رسیدن بشغلی شدند آنوقت دیگر امور مملکتی اصلاح شده حال سکونتی در کارها پیدا خواهد شد بنده عرض میکنم بر فرض چنین نماینده کافی در مجلس پیدا شدند وقتیکه مایوس شدند که برای خودشان نمیتوانند کار بکنند برای سایرین که خارج از مجلس هستند کار خواهند کرد زیرا اگر اخلاق ما باین درجه رسیده باشد آنوقت هیچ فرق نمیکند که من اگر باسباب چینی بتوانم خودم را برسانم بیک مقامی هیچ محتاج نیست باینکه من داخل در مجلس باشم من ممکن است در خارج باشم و آن طرفداران من در مجلس برای من کار بکنند این جلو مرا نخواهد گرفت و حالا قطع نظر از این که این ماده قانونی مخالف است با اصل مشروطیت عرض میکنم که در تمام عالم بسی تجربیات زیاد دیده اند که بهترین ترتیب مشروطیت این است که وزراء از اعضا

مجلس شوری یاسنا باشند قطع نظر از اینکه این طرح بر خلاف مشروطیت است و قطع نظر از اینکه این قسمت ل طرح آقای عزالملک جلو گیری میکند که هیچیک از نمایندگان نتوانند داخل در تأسیسات نافع علمی از قبیل شورای معارف و کادیمی ها و مجامع و حفظالصحة وغیره که در آنها داخل بودن شان غیر از منفعت هیچ ضرر دیگری ندارد و غیر از اینها طرح آقای عزالملک مخالف با آزادی شخصی است باز با تمام اینها به بینیم این طرح برای ممانعت دارد یا ندارد امروز اینهمه میگویند که این طرح خیلی خوب است حالا بنده مخالفت با قانون اساسی را کنار میگذارم مخالفت با روح آزادی را کنار میگذارم مخالفت با این مطالب و جلو گیری از این ترتیبات که عرض کردم کنار میگذارم باز به بینیم که این قانون در این مملکت صلاح هست یا صلاح نیست بنده عرض میکنم که صلاح نیست وجهتش این است که در يك مملکتی که اشخاص کاری آن محدود است در يك مملکتی که اینهمه احتیاج باشخاص بصیر لایق دارد دیگر اینقسم طرح هارا پیشنهاد کردن حقیقتاً خلاف انصاف است شما اگر اشخاصی دارید که اگر در هر جائی باشند از خود آنها استفاده خواهید کرد چنانکه عملاً این مسئله ثابت شد و اشخاصی بودند که شما وجود آنها را مقتنم می شمارید که در کابینه اول بودند و بعد که رفتند در خانه شان آرام نشستند بهیچوجه متوسل با قدمی نشدند که دومرتبه بیایند بصندلی وکالت به نشینند شما وجود آنها را بیک اکثریت قریب با تفاق لازم داشتید رفتید آنها را آوردید بعد از آن باز يك مدتی که اشغال صندلی وکالت را می کردند و خدمت بملت و مملکت میکردند باز برای پیشرفت کار مجبور شدند آنها را داخل کابینه بکنید گویا فراموش شده است که بعضی اوقات میشده است که شمایل کمیسیون را معین میکردید که ۴۸ ساعت به نشینند و در صدد پیدا کردن یک نفر برای وزارت باشند تا اینکه بعد از تجسس زیاد باز مجبور میشدید یکی از کسان لایقی را که در مجلس داشتید بوزارت منصوب نمائید و همان استفاده را که از وکالت آنها میکردید همان استفاده را در وزارت از آنها بکنید پس در مملکت ما که اشخاص لایق آنرا باید بانگشت شمرد این طرح قانونی بر خلاف وضع و صلاح مملکت است و حالا يك نکته دیگری هم هست که در قسمت آخر این طرح است نظر تمام نمایندگان محترم میرود بوزارت یا معاونت در صورتیکه قانون کلی است میگوید « هیچیک از مشاغل دولتی را نمیتواند قبول بکنند » بنده يك مثالی میزنم آنوقت بگویم بینم نمایندگان تصدیق خواهند کرد یا نخواهند کرد فرض بفرمائید یکی از آقایان رئیس اوقاف یا رئیس عدلیه شیراز بوده است آنوقت وکیل شد و یک نفر کفیل خانواده معین کرده است آمد اینجا با کمال میل و صمیمیت که خدمت بملت بکند دو ماه اینجا وکیل بود و بعد از دو ماه آن شخص که کفیل خانواده و کارهای او بود مرد و این بواسطه کهالت خانواده خودش مجبور است بر گردد بشیراز آیا کدام انصاف میگوید که این شخص از رسنگی باید ببرد و هیچ شغلی را قبول نکند برای اینکه تقصیری که این بدبخت کرده يك وقت شغل نمایندگی را پذیرفته است این مسئله مطابق کدام وجدان و

کدام انصاف است اینستکه در خاتمه عرض میکنم که اولاً این طرح مخالف قانون اساسی است ثانیاً با روح مشروطیت ثالثاً با آزادی شغل و کار رابعاً این طرح مخالف است با انصاف و فقط این از يك نظر تنگی نوشته شده است و برای ۴ ماه و قانون باید از يك نظر بزرگ مملکتی گذارده شود که شامل سال های سال باشد .

**نایب رئیس** — مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی است)

**آقای سید حسن مدرس** — کافی نیست يك کلمه مانده است که باید مذاکره شود .

**نایب رئیس** — دو فقره پیشنهاد شده است که بر تمام مذاکرات حق تقدم دارد آن اینستکه رجوع بشود بکمیسیون تفسیر معلوم شود که این طرح مخالف با قانون هست یا مخالف نیست تصور میکنم که تمام این مذاکرات بدون رجوع بکمیسیون تفسیر زیادی است این را ما رجوع می کنیم بکمیسیون تفسیر اگر کمیسیون تفسیر تصدیق کرد که مخالف نیست آنوقت در ثانی داخل مذاکره می شویم و رأی خواهیم گرفت و گمان میکنم که این مسئله محتاج برای گرفتنش هم نیست در مطلبی که مخالفت آن با قانون اساسی مذاکره میشود باید معین شود که منافی قانون اساسی هست یا منافی نیست - دستور روز شنبه ۲۶ - راپورت کمیسیون بودجه راجع بورته سید حسن و میرزا اسمعیل مجاهد (۲) بودجه مجلس (۳) شور دوم ماده ششم قانون اوقاف (۴) راپورت کمیسیون بودجه در خصوص رخساره خانم (۵) راپورت کمیسیون فوائد عامه در باب استخدام مستخدمین خارجه برای وزارت پست و تلگراف (مجلس نیم ساعت از ظهر گذشته ختم شد) با صورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان محترم و تصحیح حضرت آقای آقامیرزا قاسمخان مقابله شده محل امضاء محمد حسن صحیح است

### جلسه ۲۶۴

### صورت مشروح روز شنبه ۲۶ شهر

### جمادی الاخری ۱۳۲۹

آقای رئیس مؤتمن الملک سه ساعت و نیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده سه ساعت و ربع قبل از ظهر مجلس رسماً منعقد گردید  
آقا میرزا رضاخان نائینی صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۴ راقرائت کردند .

اسامی غائبین جلسه قبل از قرار ذیل قرائت گردید .

آقایان ناصر الاسلام — حاج شیخ رئیس بدون اجازه .

آقایان وحید الملک - آقا شیخ محمد خیابانی حاج آقا - میرزا اسدالله خان کردستانی - هشترو دی حاج میرزا رضاخان با اجازه غائب بودند .

آقایانیکه بوقت مقرر حاضر نشده اند آقای افتخار الواعظین نیم ساعت .

آقای آقاسید محمد باقر ادیب ۳۵ دقیقه  
**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟

(اظهاری نشد.)  
**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد -

آقای ارباب از وزارت مالیه سئوالاتی داشتید بفرمائید.

**ارباب کیخسرو - يك سوال بنده از وزارت**

مالیه راجع ببعضی قران ها است که بسکه محمد علی شاه پیدا شده است و تاریخ آن ۱۳۲۸ است نقره آن هم نقره معمولی نیست در صورتی که پول های سکه سلطان احمد شاه در سنه ۱۳۲۷ در دست است میخواهم بدانم وزارت مالیه در خصوص این سکه ها چه اطلاع دارند این سکه از کجا پیدا شده است و چه اقدامی در خصوص جلوگیری از آن کرده اند سوال دیگر بنده در خصوص ممیزی مالیات های جدید است از قراری که بنده میشنوم از طرف وزارت مالیه از يك سال قبل باین طرف بعضی ممیزی ها در اطراف طهران شده است یعنی هیئت ممیزه قرار داده اند که در اطراف طهران ممیزی بکنند در صورتیکه ممیزی در تعدیل مالیات ها بموجب قانون اساسی از مختصات و وظیفه مجلس شورای ملی است با وجود این که مجلس اطلاع ندارد معدنک وزارت مالیه در این باب يك قراری داده اند و آن هیئت هم منفصل شده و يك هیئت دیگری روی کار آورده اند در این باب هم سوال میکنم که آن هیئت را برای چه قرار داده اند و بعد از آن که قرار داده اند علتش چه بوده است که آن دسته را منفصل کرده اند و يك دسته دیگری روی کار آورده اند سوال سیم بنده راجع بعمل روده است اگر چه آقای ادیب التجار در دو جلسه قبل این سوال را کرده بودند لیکن بنده نظر ببعضی اطلاعات که داشتم و منجمه از یزد که هیچ آنجا روده اداره نشده است بموجب نوشتجاتی که رسیده است در آنجا اداره نشده است و ابداً وزارت مالیه هم اطلاع نداشته چنانچه بعضی نوشتجات بدست آورده و بوزارت مالیه فرستاده بودم و خود حکومت آنجا اداره کرده اند و وزارت مالیه نمیداند حساب آنجا چه بوده است و بنده نمیدانم سایر جاها هم همین ترتیب را داشته است یا اینکه صحیحاً اداره شده است علی العجاله بنده باین سه سوال اکتفا میکنم تا اینکه جوابهای بنده را بفرمایند .

**معاون وزارت مالیه - اولاً راجع بضر**

سکه که فرمودند در سنه ۱۳۲۸ بعضی دوهزاری ها با اسم محمد علی میرزا مسکوک بوده است این مسئله رجوع شد بخزانهدار کل که تفتیش کامل کرده راپورت بوزارت مالیه بدهد مطابق راپورتی که از مستردیکی دیروز رسیده است معلوم شده است که در ضرابخانه این مسئله واقع نشده است و در خارج شده است در این صورت با اداره نظمی است که این تحقیق را بکنند و از وزارت داخله باید سوال شود در مسئله ممیزی هم که فرمودند از چندی قبل به این طرف یعنی از ابتدای مشروطیت صفیر يك هیئتی از برای ممیزی اطراف طهران معین شده و مشغول کار بودند و در استبداد صفیر این ممیزی توقیف شد و پس از عود مشروطیت و افتتاح مجلس باز این هیئت مشغول کار شدند تا قریب بيك ماه و نیم قبل که وزارت مالیه نظر بعسرت مالیه این هیئت را عجالتاً لازم ندانست و این هیئت را منفصل کرد زیرا که ماهی سه هزار تومان این هیئت حقوق میگرفتند و در این مدت تعدیل مالیاتی نشده است فقط رفته اند صورتی از مزایعی که آنجا هست یعنی از عایدات برداشته اند و این صورت را بوزارت مالیه داده اند

که فعلاً در وزارت مالیه موجود است لکن وزارت مالیه اقدامی در تعدیل مالیات آنها نکرده است و انفصال آن هاهم بواسطه ضیق مالیه بود که منفصل کرده اینک فرمودند هیئت جدیدی تشکیل داده شده است ووزارت مالیه همچو هیئتی تشکیل نداده و مصمم به تشکیل هم نیست و مسئله روده هم که فرمودند در جلسه قبل هم آقای ادیب التجار این سوال را کردند ولی هنوز صورت صحیحی در حساب عمل روده نداده اند که عرض شود و البته در این مسئله هم تحقیقات کامل خواهد شد اگر چیزی حکومت اخذ کرده و مداخله کرده تحقیقاً بعرض مجلس خواهد رسید .

**ارباب کیخسرو - مسئله سکه اگر چه يك**

سوالی نیست و بنده خیلی به اختصار میگویم ولی این راجع و مختص بوزارت مالیه است و هر قسم تحقیقاتی که باید بشود خود وزارت مالیه باید بکند که از مختصات وزارت مالیه است و اگر از وزارت داخله هم تعقیبی باید بشود از طرف وزارت مالیه باید بوزارت داخله اظهار بشود .

**معاون وزارت مالیه - بله اگر در ضرب**

سکه اختلال و اغتشاشی واقع بشود این وظیفه وزارت مالیه است ولی اگر در شهر و خارج شهر که خارج از ضرابخانه است اتفاقی بیفتد این راجع بوزارت داخله و ابداً ربطی بوزارت مالیه ندارد مالیه مسؤول این کار نخواهد بود .

**رئیس - آقای ادیب التجار از وزارت مالیه**

سوالی داشتید بفرمائید .

**ادیب التجار - مدتی است که در**

اسلامبول ایرانی های مقیم آنجا برای ترویج معارف بجهت ابناء ایرانی و مخصوصاً ایتم و بی پرستارها که آنجا هستند مدرسه با اسم دبستان ایرانیان تأسیس کرده اند و سالیکه مرحوم مظفر الدین شاه باسلامبول تشریف بردند خیلی از حس ایرانی ها اظهار رضا مندی کردند و مبلغیکه دو بیست و پنجاه لیره انگلیسی است بطور همراهی اعانه بآن مدرسه همه ساله مرحمت فرمودند و دستخط فرمودند و حالاً ۴ سال است این مبلغ نمیرسد دبستان و در این خصوص نوشتجات زیاد چه بوزارت خارجه و چه ببعضی از نمایندگان رسیده است و ببنده هم رسیده است چون عرض کردم کلیه نظر مجلس شورای ملی و دولت مشروطه در ترویج معارف است و میدانند که در اسلامبول که پایتخت بزرگ اسلامی است از هر دولتی مدارس بزرگ بجهت ترقی و تحصیل ابناء وطن خودشان بر قرار کرده اند ایرانی ها با آن زحمات يك مدرسه و دبستانی تأسیس کرده اند با این اقداماتیکه در ترویج معارف دارند خصوصاً بجهت تصحیح اخلاق اطفال بی پرستار و ایتم مخصوص آنجا فتوت و غیرت کردند و این مدرسه را تشکیل کرده اند و مدتی است بوزارت مالیه و خارجه تأکیدات کرده ام که این حقوق عقب افتاده ۴ ساله که شاه مرحوم مقرر کرده اند برسانند آیا مقرر فرموده اند که در وجه آن مدرسه داده شود چه اقدامی کرده اند که این هزار لیره عقب افتاده چهار ساله آن مدرسه بآنها برسد و اگر اقدامی نفرموده اند استدعا دارم که زودتر اقدامی در این

خصوص بفرمایند و نتیجه اقدام خودشان را بفرمایند

**معاون وزارت مالیه - این سوال**

آقای ادیب التجار اگر چه کتیباً بوزارت مالیه نرسیده است لیکن بنده تحقیق میکنم اگر از وزارت امور خارجه در این خصوص اظهاری بوزارت مالیه شده باشد البته نهایت مساعدت را در ایصال این وجه وزارت مالیه خواهد کرد .

**رئیس - این سوال در ۲۳ ربیع الثانی فرستاده**

شده است .

**ادیب التجار - حضرت رئیس که فرمودند**

در ۲۳ ربیع الثانی سوال بنده را فرستاده اند لیکن...  
**رئیس - جواب سوال شمارا که ندادند گفتند**  
باید تحقیق کنیم بعد از آن که جواب شمارا دادند میتوانید سوال بکنید .

**ادیب التجار - پس خواهش میکنم که زودتر**

اقدام شود .

**رئیس - آقای غلامحسین سوالی داشتید**

بفرمائید .

**آقای غلامحسین - بنده دو سوال مدتی**

است که از وزارت مالیه کرده ام یکی راجع بود بکمپانی خالصجات که دو روز بعد از انحصار بنده سوال کرده ام که چه ترتیب اتخاذ کرده اند برای اداره کردن و جلوگیری از خسارت دولت و جمع آوری محصولات اینک موقعش گذشته است .

اما سوال دیگر بنده راجع بود به مسئله بیست و يك تومان تفاوت عمل عجم جابر که راجع بشاهرود است انجمن ولایتی شاهرود تصدیق کرده بود لزوم این تخفیف را و آنرا بنده آوردم دادم با آقای معاون وزارت مالیه و معاون هم رجوع کردند یکی از اداراتی که بایستی رجوع کنند گویا آن اداره در تحت ریاست عین الممالک است و مدتی است میگردد نه وزارت مالیه تصدیق کرده است که این تخفیف باید داده شود و نه اینکه رد کرده است که این تخفیف را نمیدهد بنده سوال میکنم که وزارت مالیه بالاخره در این خصوص چه نظری دارند سوال دیگر بنده راجع ببعضی خالصجات دولتی است که فیروز آباد بهرام و سعد آباد است که از املاک و خالصجات دولت است که در اوایل دولت جدید گویا اعتماد حرم خواج

مدعی ملکیت شده است و به محاکمات وزارت مالیه رجوع شده و اعتماد حرم محکوم شده است و معلوم شده است که متعلق بدولت است از قراری که از پانزده روز بیست و روز قبل شنیده ام بعضی هادر این صدد بر آمده اند که آن حکم محاکمات وزارت مالیه را بدون اینکه سند قانونی داشته باشد نقض بکنند و این ملکیت خالص دولت را بتصرف اعتماد حرم بدهند و فقط مانعی که برای ایشکار بوده است همان حکم محاکمات وزارت مالیه بوده است و الا بعضی اقدامات دیگر شده بود بنده خواستم سوال کنم ببینم وزارت مالیه برای حفظ اموال دولت حاضر است آنچه در خارج تهیه کرد و وسیله قرار داده اند تصدیق بکنند یا اینکه حاضر نیست .

**معاون وزارت مالیه - اولاً در مسئله تخفیف**

عجم جابر انجمن ولایتی و بیشک مالیه بطوری که فرمودند تصدیق کرده است که این تخفیف بآن باید داده شود چون بموجب ماده ۹۱ قانون انجمنهان

ایالتی انجمن های ایالتی حق دارد که تحقیق و استمعیای تخفیفات نموده تصدیق بدهد ...

رئیس - اگر موقمش گذشته است که معلوم میشود سؤالی ندارد ...

رئیس - سؤال ایشان در خصوص مباشر و میراب قنوت دولتی بود ...

معاون وزارت مالیه - در جلسه گذشته عرض کردم در موقمش که سؤال کردند که این مسئله راجوع کردیم ...

معاون وزارت مالیه - در ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۸ که مطابق ۲۶ قوس بود هیئت وزرای سابق با حاج معین التجار قرار دادند ...

رئیس - آقای لواء الدوله سؤالی داشتید ...

زمانی را معین کرده بود سه سنه قرار داده بود سنه اول را سنه مالیه سنه ثانیه را سنه دوره عمل سنه ...

معاون وزارت مالیه - البته خسران آقایان مسبوق است و وزارت مالیه هم میدانند که تقریباً سه چهار سال است دهات اطراف دزفول محل تاخت و تاز است ...

معاذالمهلک (معاون وزارت مالیه) اولاً در باب صورت جمع و خرج سنه تخاقوی ثانیاً این مسئله منحصراً خواهد شد بچهار ماهه آخر سال زیرا بنده بوجوب اطلاعاتیکه در این چند روزه تحصیل کرده ام ...

حاج شیخ علی خراسانی - سؤال اول را که فرمودند منتظرم که طبع و توزیع بشود ...

معاون وزارت مالیه - همین دوازده بدیوان محاسبات رجوع خواهد شد ...

حاج سید ابراهیم - مقدمتاً عرض میکنم که آنچه در کمیسیون بودجه رسیدگی شد در باب مالیات های فارس معلوم شد که مالیات های هیچ جا مثل مالیات فارس بی ترتیب نیست ...

معاون وزارت مالیه - بطوریکه فرمودید در مسئله اختلافات صورتهائی که رسیده است تصدیق میکنم یعنی وزارت مالیه تصدیق دارد ...

حاج سید ابراهیم - بله اطلاع دارند ...

است چقدر وصول شده است اما در مسئله مزایده هم که فرمودند يك تلگرافى رسیده است از پیشکار مالیه آنجا که يك مقداری اضافه خواسته اند ...

حاج سید ابراهیم - بنده هم تشکر دارم از این اقدامات وزارت مالیه ولی میخواستم عرض کنم که آن مثال قصه اردکان است ...

رئیس - آقای منقر السلطان هم سؤالی داشتند ...

منقر السلطان - چون راجع به کلک و معاون جنوب و ذفن آقای معاون مسبوق است مى فرمائید عرض کنم ...

**منتصر السلطان** - صورت گمرکات جنوب را بنده هم دارم و بوزارت مالیه هم تقدیم میکنم که مفصلالسبق بشوند و در دوسیه هم هست و مفصل هم بهمین طوری که عرض کردم سؤال می خواهم داشت که ملاحظه فرمائید و در باب تصدیق کرد مجلس هم فرمودید که آیا لازم است مجلس تصدیق بکند یا نه چون شخصاً بنده این عقیده را دارم که مربوط به مجلس است از این جهت می خواهم فرمائید که تصدیق مجلس را لازم میدانند یا خیر ؟

**معاون وزارت مالیه** - گمان میکنم این مسئله مربوط بمجلس نباشد و چنانچه مربوط بود البته وزرای سابق لابد رجوع بمجلس میکردند این یک قرارداد است باینکه شخص تجاری و وقت مجلس را در این باب نباید مشغول کرد و این قرارداد هم گذشته است و داخل عمل هم شده اند و مدتی است که مجری شده است در باب صورت هم البته بنده خیلی ممنون خواهم شد با آن سؤال خودتان بفرستید بوزارت مالیه که تحقیقاتی که در این باب لازم است بشود .

**رئیس** - در ضمن سؤال راجع به آقای حاج وکیل الرعایا اظهاری نکردم لکن مدتی است بنده در این صدد بودم که اظهاراتی که در باب حاج وکیل الرعایا میشود باید خاتمه داده شود چون یکی از وظایف بنده این است که حفظ شرف مجلس و اشخاصیکه در مجلس هستند بکنم و باید معلوم شود که این اظهاراتی که نسبت بایشان میشود صحت دارد یا ندارد و خودشان هم یک چندی قبل آمدند به بنده اظهار کردند که من میخواهم باینکار رسیدگی شود و واقعاً اگر این اظهارات صحت دارد تکلیف بنده هم معین شود و اظهاراتی که خودشان کردند این بود که بمستخدمین امریکائی که تازه وارد شده اند این امر را رجوع بکنند و راپورتش را بتوسط وزارت مالیه بمجلس بدهند بنده هم چون این عقیده را پسندیدم این است که بعرض مجلس رسانیدم اگر صلاح میدانند همین طور رفتار بشود آقای معاون هم که اینجاست تشریف دارند اگر صلاح دیدند بجزانه دار کل اطلاع داده میشود که باین کار رسیدگی بکند و آنچه نوشته است و اسنادی که در مجلس هست و تقشیر را که کمیسیون سابق کرده است آنها هم فرستاده شود که رسیدگی کنند و هر آن تلافی که در این باب است بمجلس اظهار بکنند در این باب کسی مخالف نیست ؟

(گفتند خیر) .

**حاج شیخ اسدالله** - بنده مخالفم .

**رئیس** - پس رأی میگیریم - آقایانی که موافقت در این باب قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند) .

**رئیس** - اکثریت است .

**معاون وزارت مالیه** - لایحه ای است راجع به استخدام چهار نفر امریکائی سه نفر برای تقشیر و یک نفر برای معاونت مالیاتی تقدیم مجلس شورای ملی میشود .

**رئیس** - پس میفرستیم بکمیسیون بودجه راپورت که دادند خوانده میشود .

**معاون** - برطبق قانونی که در ۲۳ جوزا

صدی دو و نیم میشود که اگر از روی مأخذیکه گمرک بان مأخذ صورت داده است صدی پنج خرج تا انبارش میشود تا صدی پنج و نیم و مطابق صورتیکه خود آقای حاج معین بوشهری داده اند صدی چهار و نیم میشود پس باید اینرا از آن بیست و چهار هزار لیره کسر کرده باشند آن وقت باید بموجب صورت رئیس کل گمرکات جنوب که کلک ۸۲۲۶ تن است آن را هم باید از یازده هزار تن کسر کرده و این جا خیلی تفاوت حاصل خواهد شد در صورتیکه اگر مجلس هم قبول کرده باشد که این خاک خاک حقه او است اگر هم قبول کرده اند کرده اند با نتیجه میخواستیم از معاون محترم سؤال بکنم که آیا بدوسییه اینکار رجوع فرموده اند و مقرر داشته اند که این تفاوت را کسر نکنند و این پول را تابه آن اندازه محجر بکنند و حواله بکنند یا اینکه حواله نکرده اند چون این تفاوت خودش چندین هزار تن خاک میشود و آیا فکری برای اداره کردن معادن جنوب کرده اند چنانچه در سابق مرحوم صنیع الدوله این پول را که معین کردند بدهند برای این کار بوده است که دو نفر متخصص اینکار و دو نفر مهندس برای اینکار بیاورد تا این که مطابق آن صورتی که خود مرحوم صنیع الدوله بنده نشان دادند که دخل معادن جنوب را خیلی تصور کرده بودند که اگر اینجا عرض بکنم شاید گراف بداند در آن صورت معین کرده بودند که متساع کلی بدولت بعد از خرج آوردن دو نفر متخصص حاصل میشود آیا در اداره کردن فکری کرده اند و در محجر کردن آن حواله هم نظری داشته اند یا خیر .

**معاون وزارت مالیه** - اولاً در خصوص کیل خاک که فرمودید بموجب صورتیکه رسیده کمتر از یازده هزار (تن) است مطابق صورتیکه بنده دیروز دیدم یعنی راپورتیکه از اداره گمرکات رسیده بیش از این مأخذ بنظر بنده رسیده است یعنی شاید هزار تن بیش از این مأخذ است تقریباً و ثانیاً حالا که این سؤال را فرمودید باز بنده مراجعه خواهم کرد و تحقیقات کامله از اداره گمرکات خواهم کرد در صورتیکه کمتر از این باشد البته از آن مبلغ بموجب آن قرار داد کسر خواهم کرد و در باب آن تفاوت هم که فرمودید بنده چیزی در این باب نفهمیدم یعنی در آن قرار دادی که بنده در دوسیه مراجعه کردم چیزی در این باب اشاره نشده است و خوب است مشروحاً این سؤال را بنویسید بفرستید بوزارت مالیه که بنده تحقیقات کامله بکنم و چنانچه این مسئله جزء قرار داد باشد وزارت مالیه البته اقدام خواهد نمود و مسئله اداره کردن هم تاکنون که اقدامی در این باب از طرف وزارت مالیه نشده است یعنی بنده اطلاعی ندارم بعد تحقیق خواهم کرد و البته وزارت مالیه میبایستی صحیحاً آنجا را اداره بکنند و در تحت نظر دولت باشد و البته بطور خوش آنجا اداره خواهد شد و تاالاساعه که بنده عرض میکنم اطلاعی در این خصوص که آیا اقدامی در باب اداره کردن آنجا شده است یا نشده است ندارم .

تصویب شد حالا باید رأی بگیریم که در همین جلسه باید مطرح مذاکره شود یا خیر . مخالفی در این باب نیست (نبود) آقایانیکه تصویب میکنند امروز مذاکره شود قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده واحده قرائت شد .

(ماده واحده لایحه وزارت مالیه مجدداً قرائت شد) .

**رئیس** - کسی مخالف نیست ؟

(حاج شیخ اسدالله - سؤال دارم)

**حاج شیخ اسدالله** - بنده میخواستم بدانم مدت کسرات این مستخدمین هم گمان مدت سایر مستخدمین است یا خیر در مدت هم مجدداً مذاکره می شود .

**معاون مالیه** - خیر مدت همان مدت سایر مستخدمین است

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ؟

(مخالفی نبود)

**رئیس** - اگر رأی میگیریم باین ماده واحده که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید و آنهایکه مخالفند ورقه آبی خواهند داد .

(اوراق رأی اخذ شده حاج میرزا رضاخان بعد از ذیل شماره نمود) :

ورقه سفید علامت قبول ۹۶

**رئیس** - با اکثریت ۹۶ رأی تصویب شد .

بقیه بودجه مجلس متعلق بسنه تنگوزئیل هم جزء دستور است ماده دو بودجه چندین مرتبه بمجلس آمده است و بلا تکلیف مانده است استدعا میکنم که امروز رأی قطعی اعم از قبول یا رد داده شود برای اینکه وزارت مالیه باید اطلاع بدهیم که در این خصوص هر ماهه وجهی بدارد مباشرت بپردازند البته در صورتی خاطر آقایان را متذکر میکنم که ماده دویم بودجه ۱۳۲۵۴ تومان برای اداره تقشیر اعتبار خواسته شده بود و کمیسیون محاسبات در ماه ۹۰ تومان کسر کرده است که می شود سالی هزار و هشتصد تومان از طرف دیگر در موقعیکه آن لایحه را طبع و توزیع کرده بودند آن اعتباری که خواسته شده بود از قلم افتاده بود آن اعتبار ماهی شصت تومان بود که در سال هفتصد و بیست تومان میشود چون در مجلس قبول نشد آن سیزده هزار و دویست و پنجاه و چهار تومان مجدداً در هیئت رئیسه مذاکره و بعد قرار شد که آن دو نفر تند نویس را که کمیسیون محاسبات تصویب نکرده بود ما هم اضافه نکنیم و آن شصت تومان اعتبار هم که از قلم افتاده بود در عرض آن دو نفر تند نویس در واقع تقاضاییکه میشود برای همان سیزده هزار و دویست و پنجاه و چهار تومان که در سابق خواسته بود حالا خوبت مخیر کمیسیون محاسبات پیشنهادی د این باب بکنند که رأی گرفته شود .

**دکتر اسمعیل خان مخبر** - نظر کمیسیون محاسبات همان در دو نفر تند نویس بود که لازم ندانست و در کمیسیون که آن روز مذاکره شد قبول کرده است و چون اعتبار هست ممکن است مصرف

شود و یا حذف بشود اینست که قبول کرده است .

**رئیس** - پس کمیسیون قبول میکند

**دکتر اسمعیل خان** - چون اعتبار هست کمیسیون البته قبول میکند .

**رئیس** - پس رأی میگیریم ماده دویم ضمیمه اول قانون بودجه مجلس راجع بسنه تنگوزئیل که سیزده هزار و دویست و پنجاه و چهار تومان است آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت آنهائی که تصویب نمیکنند ورقه آبی ولی خوبست که یا رد و یا قبول شود که بلا تکلیف نماند .

(اوراق رأی اخذ و حاج میرزا رضاخان بعد از ذیل شماره نمود) .

ورقه سفید علامت قبول (۵۷)

ورقه آبی علامت رد (۱) .

**رئیس** - با اکثریت (۵۷) رأی ماده (۲) قانون بودجه مجلس تصویب شد . حالا باید رأی ماده اول خود قانون بودجه بگیریم . مخالفی هست ؟

(مخالفی نبود) .

**رئیس** - یک مرتبه مجدداً قرائت می شود و رأی میگیریم .

(ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۱ - برای مخارج سنه تنگوزئیل مجلس شورای ملی مبلغ یکصد و چهل و نه هزار و سیصد و هیجده تومان موافق مواد (۱) الی (۴) اعتبار معمولی به اداره مباشرت مجلس شورای ملی داده می شود .

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده . آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید و آنهائی که تصویب نمیکنند ورقه آبی خواهند انداخت .

(اوراق رأی اخذ و حاج میرزا رضاخان بعد از ذیل شماره نمود) .

ورقه سفید علامت قبول (۶۱) .

**رئیس** - ماده اول قانون بودجه با اکثریت (۶۱) رأی تصویب شد در کلیات این قانون بودجه باید رأی گرفته شود چون تا ورقه رأی را توزیع کنند طول میکشد ممکن است اخذ این رأی را بگذاریم برای بعد حالا ماده (۶) الحاقیه قانون معارف راجع باوقاف قرائت میشود و شور اول اوشده است این شور دویم است .

(ماده (۶) مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده الحاقیه ملحق بماده شش قانون معارف و اوقاف . اداره کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها مستقیماً راجع به شخص سلطان عصر یا دولت است با اجازه سلطان در اول دولت در ثانی خواهد بود و این در مواردی است که اجازه سلطان عصر یا دولت بوزارت اوقاف منافی غرض واقف نباشد .

**رئیس** - اول باید رأی بگیریم که داخل در شور دویم این ماده بشویم یا خیر . آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند) .

**رئیس** - با اکثریت ۳۹ رأی تصویب شد .

**افتخار الواعظین** - اینجا در این ماده الحاقیه آن روز چیزهایی ذکر شد و محسناتی که گفته شد و توضیحاتیکه داده شد همه این بود که موافق قوانین شرع مطهر نمی توان یک متولی

شرعی را که پادشاه عصر باشد مجبور کرد بر اینکه حق منصوص خودش را واگذار کند بوزارت اوقاف اولاً اینجا گویا حق منصوص را که تولیت است واگذار نمیکند بوزارت اوقاف باز تولیت باشخص پادشاه است واقف معین کرده است شخص پادشاه را متولی و در اینجا هم گویا قید نشده باشد که شخص متولی مجبور است که خود او برود اداره کند این متولی است و باید موقوفه اداره بشود اعم از اینکه مباشر را دیگری معین بکنند یا شخص متولی خودش مباشر بشود و معلوم است در جاهائی که تولیت اوقاف با پادشاه عصر هست مثل مدرسه مرحوم سپهسالار مخصوصاً در وقف نامه مصرح است چون مباشرت امور موقوفه منافی باشئون سلطنت است پس باید بتصویب امام معیت و مدرسین یک نفر از رجال دولت را که معروف بصلاح و امانت باشد معین بکنند پس معلوم میشود که غرض واقفین نه این بوده است که دولت خودش برود اداره بکند بملاحظه شوکت و قدرت دولت تولیت را بیادشاه عصر دادند که بهتر رقبات وقف را حفظ میکنند که اموال موقوفه از میان نرود اینجا هم تولیت را بر گذار نکرده اند آن شخص را که پادشاه متولی معین میکرد بتوسط صدراعظم حالا آن توسط صدراعظم را وزارت اوقاف معین میکنند یعنی وزارت اوقاف بشخص مباشری معین میکنند با اجازه متولی و بدیهی است که او هیچ مجبور نیست که این پیشنهاد وزارت اوقاف را در تعیین مباشر قبول بکنند مختار است یعنی مجبور در قبول کردن نیست و بنده باز عقیده ام این است که عرض کردم اگر در همان ماده ۶ که از مجلس گذشته است یک لفظ طوعاً بر او اضافه شود که معلوم شود پادشاه مجبور نیست و یک موافقتی با شرع انور داشته باشد که ما اینکه اتفاق مجلس هم بر این بوده است و تمام آقایان نمایندگان قصدشان این بوده است که پادشاه پیشنهاد وزارت اوقاف را طوعاً قبول خواهد کرد نه مجبوراً گویا رفعم تمام این محظورات را بکنند و دیگر محتاج به این پیشنهاد ثانوی نباشد

**حاج آقا** - بنده گمان میکنم آن گفتگوهائی که در شور اول شد دیگر در شور ثانی هیچ محتاج نیستیم باینکه باز يك مذاکره و مباحثه ای بکنیم این مطلب يك امر خیلی واضح و بدیهی است و همه تصدیق دارند و هیچکس نمیتواند انکار کند وقتی که متولی خاصی دارد و مخصوص است هیچکس دیگر نمیتواند تصرف در او بکند مگر به اجازه متولی و متولی باید متصدی و مباشر باشد یا واسطه هیچ صحبت مجبورت یا صحبت دیگری نیست صحبت در این است که يك نفر متولی خاص چه پادشا و چه غیر پادشاه هر کس باشد هیچکس نمیتواند تصرفی در آن بکند بدون اذن متولی و متولی باید متصرف و مدیر آن وقف باشد که امام متولی در سایر موقوفات پادشاه صحبت واسطه نیست صحبت تولیت خاص است که تعیین مباشر با متولی است ربطی ندارد بدیگری ندارد بدلی پادشاه بدیگری نمیتواند تعیین مباشر بکند برای وقتی که متولی خاصی ندارد ولی وقتی که متولی خاص دارد اگر خودش خواست يك کسی را مباشر قرار بدهد البته آن مباشر چون از طرف خودش است معنی است و این قانونی را که شما اینجا می نویسید که این مباشر را اداره اوقاف معین بکنند این منافی با



چه چیز است یا اینکه مجلس مقصودش نیست که به طریق شرعی و بطوری که واقف در وقفنامه معین کرده است عمل شود برای اینکه مقصود مجلس نمایندگان این است که بینیم این قانونی که از مجلس گذشته است آیا لازم است که حالا تائید در آن تجدید نظر بشود یا لازم نیست

**حاج شیخ اسدالله** - فرمایشی که فرمودند که در موقعی که این قانون نوشته میشد بعضی از آقایان بوده اند و از این جهت حالا نباید در این ماده رأی داد بنده عرض میکنم در اصل مطلب همین قسم که فرمودند اشکالی نیست و آن هیئت علمیه که در کمیسیون بوده اند و در آن ماده نظر کرده اند نظرشان بر این بوده است که با اجازه سلطان باید وزارت اوقاف این قسم از اوقاف را اداره بکنند و نظرشان با آن وقت فرقی نکرده است و اختلافی در اصل مطلب نیست چیزی که هست این است که میگویند این عبارت یک نوعی نوشته شده است که این مراد از آن فهمیده نمی شود و بیشتر از این هم نزاعی نیست و این اندازه هم مذاکره لازم ندارد برای اینکه مجلس می تواند این اتهام را تصریح بکند و یک ماده الحاقیه باین ماده ملحق نماید که رفع این اشکال بشود و سوء تفاهمی که در ماده قبل شده است برداشته شود و آن سوء تفاهم هم این است که در آن قانون می نویسد که وزارت اوقاف اداره میکند اوقافی را که تولیت آن راجع بسلطان عصر یا دولت است دیگر این را که با اجازه سلطان باید باشد نمی نویسد در حالتی که لازم است این قید شده باشد حالا اگر میگویند چون در ماده دیگر آن قانون نوشته شده است که موقوفاتی که متولی مخصوص دارد اگر وزارت اوقاف بخواهد آنها را اداره بکند باید با اجازه آن متولی مخصوص باشد این مطلب را می رساند و دیگر لازم بقید دیگری نیست بنده عرض می کنم چون آن راجع بموضوع دیگر است یعنی راجع است به موقوفاتی که متولی مخصوص آن غیر از سلطان باشد و این ماده هم بطور اطلاق میگوید که وزارت اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها راجع بشخص سلطان یا دولت است و از اجازه گرفتن از سلطان ساکت است و اسمی نمیبرد خیلی سوء اثر کرده است و آن سوء اثرش هم خیلی واضح است بجهة اینکه میدانید وزیر وقتیکه معرفی شد بسمت وزارت خودش دیگر شخص سزاوار نمیتواند یعنی مسئولیتی ندارد تا اینکه دخالت بکند در امر اوقاف بلکه مسئولیت سلطان با همان شخص وزیر است و اگر بخواهد مداخله بکند در همان موقوفاتی که تولیت آنها راجع بشخص او است اهرآ بموجب این ماده و این قانون نمیتواند مداخله بکند و حال اینکه اگر هر آینه دخالت وزارت اوقاف در آن موقوفاتی که تولیت آنها راجع بشخص سلطان است با اجازه سلطان باشد باید در هروقت از اوقاف که بواسطه عدم اعتماد یا جهات دیگر بخواهد بگوید وزارت اوقاف که دخالت در فلان موقوفه که تولیت آن بامن است نکنید این حق را داشته باشد چون تولیت آن با خود سلطان است و تعیین مباشر آن بسته بمیل و اختیار او است اما این ماده این مطلب را نمی رساند بلکه این ماده بطور اطلاق همینقدر میگوید که وزارت اوقاف باید اداره بکند این قسم از موقوفات را و وقتیکه بموجب

این ماده راجع شد ا داده کردن این موقوفات وزارت اوقاف آنوقت حق تولیت سلطنتی از شخص سلطان سلب میشود بجهة اینکه دخالت در اوقاف ندارد و فرض هم اینست که اداره کردن این قسم از اوقاف را راجع کرده ایم وزارت اوقاف و این منافست با آن نظریکه واقف داشته است که تولیت آنها را راجع کرده است بشخص سلطان پس باید نوعی باشد که این ماده منافی باغرض و اصول تولیت معجوله از طرف او نباشد در اینجا مذاکره میشود که مراد از تولیت سلطان این نیست سلطان خودش برود دخالت بکند این را هم قبول دارم ولی نظر واقف هم این نیست که هروقت سلطان بخواهد وزارت اوقاف بگوید که تو دخالت نکن میتوانی اگر چه مقصود کسانی که این ماده را نوشته اند این بوده است که میتوانی ولی عبارت این ماده اینمطلب را نمی رساند بلکه میگوید که سلطان مستقیماً نمیتواند دخالت بکند پس شما چرا از این مطلب قطع نظر میکنید و یک مطلب ساده و واضحی را این همه در آن مذاکره میکنید در صورتیکه این ماده الحاقیه خیلی لازمست که در اینجا نوشته شود برای اینکه آن عبارتی که در آن ماده قانونی نوشته شده است خیلی ناقص است و توضیحاً بآن ماده باید این ماده نوشته شود و بآن ماده الحاق شود که سلطان اختیار داشته باشد در اینکه هروقت بخواهد دخالت بکند در آن موقوفاتی که تولیت آن راجع بشخص او است اگر چه اجازه هم بدهد وزارت اوقاف که در موقوفاتی که تولیت آن راجع بشخص من است دخالت بکن و هر وقت هم که بخواهد از او جلوگیری بکند و نگذارد که مداخله بکند ولی نوشتن این ماده سلطان نمیتواند وقتی که وزارت اوقاف دخالت در اوقاف میکند اگر میل نداشته باشد جلوگیری بکند و بگوید دخالت نکن باینجهت بنده این را خیلی لازم میدانم که امروز از مجلس بگذرد و اگر نگذرد عرض میکنم که آن ماده مطابق قانون اساسی قانونیت ندارد.

**رئیس** - گمان میکنم که امروز نتوانیم موفق بشویم که اینکار را تمام بکنیم و این ماده را از مجلس بگذرانیم برای اینکه اولاً چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است ثانیاً در خود کمیسیون میبایستی وقتی که یک ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنند باید آن ماده را هم که این ماده را میخواهند بآن الحاق بشود متذکر بشوند و در راپورت بنویسند که مبادا با هم منافاتی داشته باشد از اینجهت گمان میکنم بهترین است که این مطلب بماند برای روز سه شنبه تا اینکه آن ماده هم بنظر آقایان برسد (گفتند صحیح است)

**ذکاء الملک** - بنده همین قدر توضیحاً میخواستم عرض بکنم که عرایض بنده راجع بمخالفت با این قانون نبود بلکه راجع بسوء ظنی بود که از بیانات آقای آقا شیخ حسین نسبت بمذاکره جلسه قبل و این جلسه حاصل شده بود و الا بنده باین ماده الحاقیه موافق و مدافع آن هستم.

**رئیس** - حالا بقیه مذاکره این مطلب میماند برای جلسه بعد تقاضائی شده است از طرف عدّه از نمایندگان خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم که چون در محاسبات آقای وکیل الزعایا تا حال دو هیئت تفتیشیه

از طرف مجلس مقدس تعیین شده است و در این باب بصیرت دارد در وقت رسیدگی و تفتیش (مستر شوستر) بحساب مشارالیه از آقایانی که در آن دو هیئت بوده اند برای توضیحات بسابقه که دارند چند نفری منتخب شوند و حضور داشته باشند (امضاء بیست و یک نفر از نمایندگان)

**رئیس** - این پیشنهادی است که شده بود و قرائت شد لکن گمان نمیکنم که بتوانیم به آن رأی بگیریم بواسطه اینکه این پیشنهاد چنین میفهماند و مایمخواهیم یک هیئت را بفرستیم که بروند در کار آن هیئتیکه که بآنها اعتماد داریم تفتیش بکنند و این البته بآنها برمیخورد اگر آنها میخواهند اطلاعاتی از آن هیئت تفتیشیه پارسال پیدا بکنند بآنها نوشته خواهد شد که همچو هیئتی بوده است و تفتیش کرده است و نوشتجاتی هست تمامش را میفرستیم وزارت مالیه اگر توضیحاتی هم خواستید ممکن است چند نفر از آقایان را برای دادن توضیحات بخواهند (گفتند صحیح است).

**رئیس** - ولی چون تقاضائی است که گذشته است مجبوریم رأی بگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

**رئیس** - رد شد - آقای حاج آقا اظهاری داشتید.

**حاج آقا** - اگر چه بنده شخصاً متأسفم از اینکه امروز یک مدت زمانیرا که باید خرج اصلاح امور مملکت بکنیم بترتیبات شخصی پرداخته میشود ولی از آنجائیکه همان طور آقای رئیس در اول جلسه فرمودند بر هیئت نمایندگان مجلس شورای ملی و بر تمام مردم لازمست که حفظ شرف مقام و کالت را کرده باشند لایدم که این تقاضا را امروز از مجلس کرده باشم چندی قبل یک کتابچه در اینجا طبع و منتشر کردند و بتوسط پست شهری یکدانه هم بجهة خودم فرستادند و گمان میکنم که برای غالب و کلا هم فرستاده باشند و غالب و کلا هم اگر برایشان فرستاده باشند آن کتابچه را دیده اند و در آن کتابچه چیزهایی نوشته شده بود که اگر چه مضمون آن مکذب خود کتابچه است و همچنین از طرف وزارت امور خارجه و همان شخص کارپرداز که بلاهم تکذیب شده است ولی بنده محض حفظ مقام شرافت نمایندگی برای حفظ شخص خودم تقاضا میکنم از مجلس شورای ملی که بامن مساعدت بکنند در اینکه یک کمیسیون برای رسیدگی باینکار تشکیل بشود ابداً اشخاص هم جزو حزب اکثریت نباشند یعنی بنده خودم این تقاضا را میکنم که از اکثریت نباشد بلکه از اشخاص بیطرف انتخاب بشوند که رسیدگی بکنند و بینند که واقع این مطلب چیست و این بترتیب از کی بوده است و راپورت خودشان را بعد از تحقیقات بمجلس شورای ملی بدهند و باز بنده تکرار میکنم تقاضای خودم و کاندیدا میکنم به مجلس شورای ملی که از اشخاص بیطرف اعضاء این کمیسیون را انتخاب بکنند از قبیل آقای هشترودی آقای خیابانی آقای لسان الحکماء و یکنفر هم از حزب اقل باشند آقای صدر العلماء و این تقاضا را میکنم که بامن مساعدت بکنند در اینکه این کمیسیون منعقد شود در تحت نظر آقای حاج امام جمعه و آقای مدرس و

تحقیقات خودشان را در این باب بکنند و رأی بدهند من این تقاضا را که امروز میکنم برای این است که بعد از این مقام شرافت و کلاهی مجلس شورای ملی مصون بماند و کسی باغراض نفسانی نتواند بعضی نسبتها بایشان بدهد.

**رئیس** - رأی میگیریم در این تقاضای آقای حاج آقا آقاییکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - ولی انتخاب کمیسیون میمانند برای جلسه بعد حالا رأی میگیریم در کلیه قانون بودجه مجلس آقاییکه کلیه قانون بودجه مجلس را بطوری که مواد آن از مجلس گذشته است تصویب میکنند و رقه سفید خواهند داد (اوراق رأی اخذ شده و آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بعد (۶۲) رقه سفید شماره نمود)

**رئیس** - قانون بودجه تکمیل مجلس شورای ملی به اکثریت (۶۲) رأی تصویب شد در جلسه قبل راجع بر رئیس

کمیسیون داخله بعضی عرایضی که کردم که کمیسیون منعقد نمیشود و اغلب رئیس آن غیبت مینماید این عرایض بنده راجع بود بر ایورتی که خودشان داده بودند بعد رسیدگی شد از روی صورت های جلسات کمیسیون معلوم شد که ایشان بیش از دو جلسه غائب نبوده اند و مخصوصاً این عرض را در این جا می کنم که آقایان بدانند که رئیس کمیسیون بیش از دو جلسه غائب نبوده اند و همیشه خدماتی را که بایشان رجوع شده است انجام داده اند دستور روز سه شنبه ۲۹ .

بقیه شور دوم در ماده الحاقیه ماده ششم قانون معارف - راپورت کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات - چهار فقره راپورت کمیسیون تفسیر راجع بمواد ۶۰ الی ۶۴ نظامنامه داخلی - اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده هفتم متمم قانون وظایف ۱۶ نفر از آقایان تقاضا هم کرده اند که جواب تلگراف خراسان جزو دستور روز سه شنبه گذاشته شود در این تقاضای میگیریم آقاییکه این تقاضا را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت چهل رأی تصویب شد بادستور بهمین ترتیبی که معین شده است مخالفی هست (اظهاری نشد)

**رئیس** - آقا میرزا مرتضی قلیخان راجع بدستور اظهار داشتید ؟

**آقا میرزا مرتضی قلیخان** - بله می خواستم عرض کنم که سه فقره راپورت کمیسیون بودجه هم جزو دستور بود و یکی متعلق بر خساره خانم بود و امروز مذاکره نشد استدعا میکنم که جزو دستور جلسه آتی نوشته شود .

**رئیس** - پس دستور را بهمین ترتیبی که معین کردیم مشغول میشویم اگر وقت پیدا کردیم در آن هم مذاکره میکنیم .

**ارباب کیخسرو** - بنده تخصیص نمیدهم بر خساره خانم ولی عرض میکنم که دوسه فقره دیگر هم بود که چند جلسه از آنها اسم برده شد خوب است که آنها هم جزو دستور بشود که از مجلس بگذرد  
**رئیس** - چون در این قبیل مطالب مذاکره نمیشود و بیش از دو دقیقه طول نخواهد کشید از

این جهت آنهم ممکن است که جزو دستور بشود در جلسه آتی بگذرد ( رئیس حرکت کرد و جلسه مقارن ظهر ختم شد )

### جلسه ۲۶۵

### صورت مذاکرات یوم سه شنبه

### ۲۹ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۹

آقای رئیس مؤتمن الملک سه ساعت و ربع قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نمود و پس از ده دقیقه مجلس منعقد گردید صورت مجلس قبل را آقای آقا میرزا رضاخان نائینی قرائت نمود

غائبین جلسه - بدون اجازه ناصر الاسلام و غائبین با اجازه آقایان - حاج امام جمعه - و معذل الدوله - غائبین از وقت مقرر آقایان متین السلطنه معاضد السلطنه - طباطبائی - معزز الملک - دهخدا هر کدام یکساعت و نیم آقایان حاج وکیل الرعایا بهجت - آقا میرزا مرتضی قلیخان هر کدام نیم ساعت آقا سید محمد باقر ادیب ۴۰ دقیقه - آقا عبدالحسین سی و پنج دقیقه .

**رئیس** - آقای بهجت در صورت مجلس اظهاری داشتید ؟

**بهجت** - در صورت مجلس مینویسد که بنده این جور سؤال کردم که در خصوص اطراف دزفول که محل تاخت و تازاست راست است که در اطراف و تمام دهات مورد تاخت و تاز شده است لکن سؤال بنده که کتبی بود در خصوص بلوک عربی بود که آن ها بالکلیه از میان رفته است

**رئیس** - یک لفظ عربی باید اضافه بشود **لواء الدوله** - در خصوص سؤال بنده که در صورت مجلس چیزی نوشته شده است.

**رئیس** - سئوالی کرده بودید چون موقعش گذشته بود از اینجهت نوشته نشده است .

**لواء الدوله** - بنده عرض کردم که اگر چه وقت این گذشته است ولی چطور شد وجه اقدامی شده است .

**رئیس** - دیگر ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد)  
**رئیس** - صورت مجلس با این اصلاحات تصویب

شد دستور امروز شور دوم ماده الحاقیه قانون معارف که بماده ( ۶ ) الحاق شده است چهار فقره راپورت کمیسیون تقشیر راجع به نظامنامه انتخابات و غیره شروع میکنیم بشور دوم ماده الحاقیه راجع بماده ششم قانون معارف .

### آقا شیخ ابراهیم زنجانی - در این باب خیلی

مذاکرات شد بنده میخواهم عرض کنم که این یک چیز واضحی است و اینقدر هم مذاکره لازم نیست اداره کردن موقوفه غیر تولیت است ممکن است متولی کسی دیگر را برای اداره کردن بکارند متولی عبارت از این است که مثل مال خودش نظر در منافع آن بکند هر کس را صلاح دید این کار را با او واگذارد و بطوریکه در اموال خودش صلاح میداند مداخله کند متولی هم شخصی نمیشود متولی یک عنوانی پیدا میکند مثلاً هر گاه کسی بگوید من این ملک را وقف کردم و اولاد ذکور را نسلا بعد نسل متولی قرار دادم این عنوان هر قدر موجود هست آن متولی است و کسی که بخواهد دخالت بکند باید مثل آن

اکبر اولاد باشد همین طو لفظ سلطان مثل اکبر

اولاد است عنوان پادشاه است آنوقت یک جزئی از اذن بدهد این معنی ندارد هر یک از وزارتخانه ها کاری بکنند دولت کرد است امروز پادشاه هر کس است متولی است او رفت پادشاه دیگری آمد او متولی است همچنین هر پادشاهی بیاید متولی است میگوید وزارت اوقاف اداره بکند خوب البته اداره اوقاف خودش که متولی نیست پادشاه متولی است که باید باذن پادشاه باشد پادشاه و دولت عبارت است از هیئت جامعه کار را تجزیه کرده اند هر کاری را که یکی از آن هیئت بکند او کرده است بعد از رضای سلطان ضمیمه بشود چه ضرری خواهد داشت مثلاً من مینویسم کسی که میخواهد اداره بکند باذن من باشد این اشکالی ندارد .

**رئیس** - شما که موافقید .

### زنجانی

متولی که دولت شد البته وزیر که کار بکند هیئت دولت است مثلاً از طرف دولت حکومت معین میشود راجع بوزیر داخله است از طرف دولت پیشکار مالیه معین میشود وزارت مالیه میفرستد البته معلوم است امور دولت تجزیه میشود بین وزراء هر کدام کاری بکنند دولت کرده است نه اینکه هیئت دولت در هر یک از امور مداخله بکند آن صحیح نیست و دیگر اجازه دولت لازم ندارد اجازه یعنی چه هر کار را که وزارت اوقاف کرده است دولت کرده است این جزء اولش لازم است جزء دومش صحیح نیست همینطوریکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند صحیح است که در جزء دوم قید کردن اجازه صحیح نیست .

**رئیس** - آقای مدرس موافقید بفرمائید .

### آقا سید حسن مدرس - مذاکراتی که

در آن جلسه شد همچنین مذاکرات امروز تماشای بیان المراد است معروف است بیان المراد لاینفع الايراد یک مطلبی است که مرکز اذهان اعضاء کمیسیون و مرکز اذهان آقایان هم هست حالا مقصود این هست که بیک عبارتی گفته شود که ایراد نداشته باشد واضح باشد و یک مطلب دیگری است که مدتی بود میخواستیم عرض بکنیم حالا موقعش هست و متعلق بهمین هم هست قانون در هر جائی در چیز های مملکتی دو فلسفه دارد ا تصاص ندارد بجائی که ملیت و ملت باشد یا نباشد هر قانونی دو فلسفه دارد یک فلسفه متعلق بماهیت است و یک فلسفه راجع بترتیب و اداره و وسایل است سایر دول هر قانونی جل و وضع میکنند باید آن دو فلسفه را خودشان ملاحظه بکنند هم فلسفه راجع بماهیت مواد هم فلسفه متعلق باداری و مواد دیگر در مملکت ما فلسفه متعلق بماهیت قانون و ماهیت مواد است فلسفه عادی آن فلسفه است که بواسطه پیغمبر رسیده است و آن فلسفه که باید مجلس شورای ملی و مقصود از انعقاد هم همین است همان فلسفه اداری است که باید ایراد کننده یا به تقلید یا بقنون خودشان و آن فلسفه ماهیت که متعلق باداره کردن مواد امور سیاسی مملکت است اگر آقایان تامل بفرمایند در عرایض و نظر بنده گرچه نظر بدوی است میلی اتفاق می افتد که خطا بکنند اگر تامل در اینکار بفرمایند عمد محظوراتی که از گذشتن قوانین در دارالشورای ملی پیدا میشود و بتعویق می افتد عمده این است